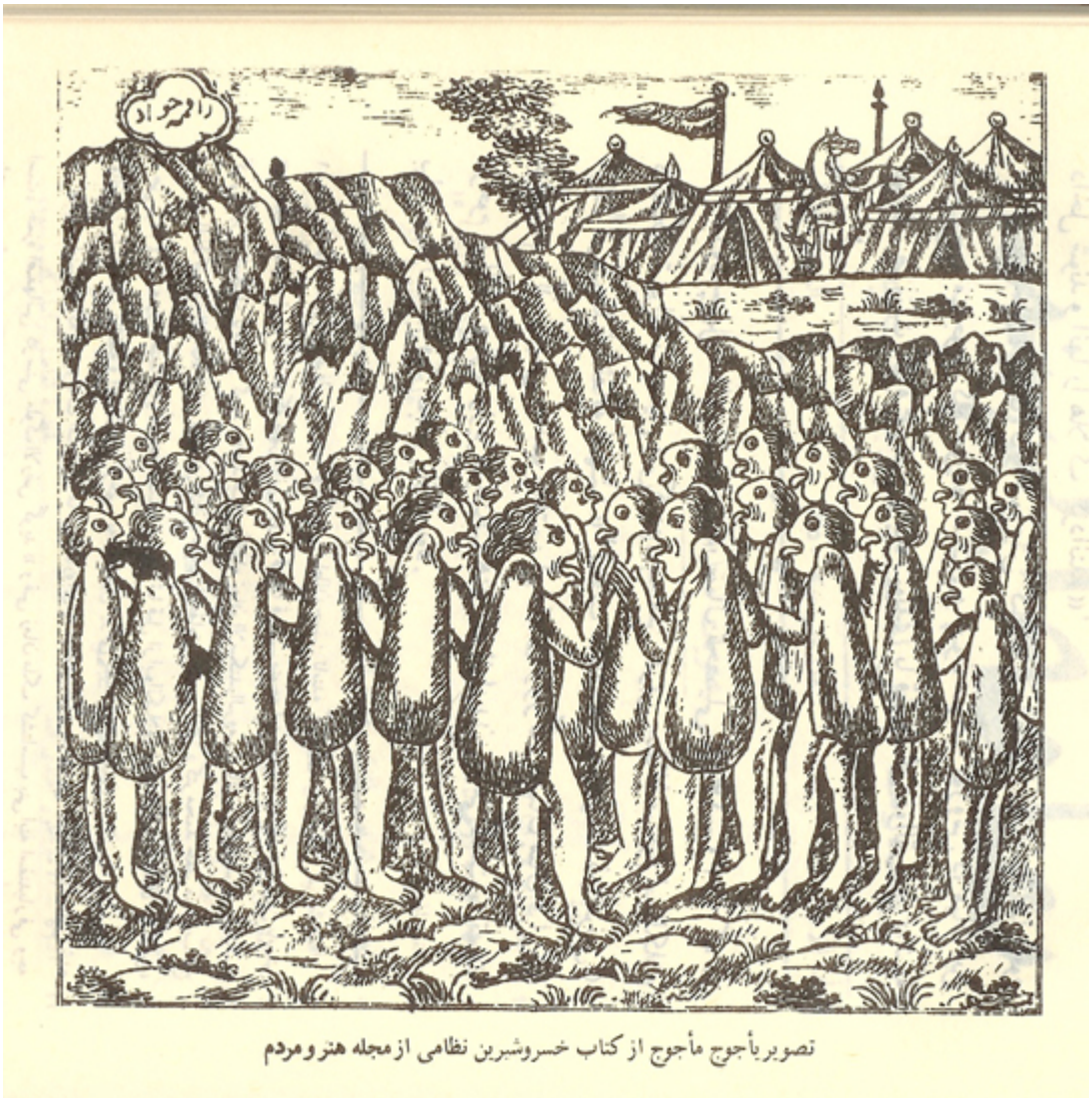

تصویر یأجوج مأجوج از کتاب خسروشیرین نظامی از مجله هنر و مردم

هورقلیا چیست؟

هورقلیا کلمه ای عبری است که در لغت به معنای ملک دیگر و یا تشعشع بخار آمده است و از دیرباز، حکما و فلاسفه ای مانند سهروردی و ملاصدرا پیرامون آن سخنه گفته اند و اکنون نیز با اصطلاحات دیگری مانند جهان های موازی توسط دانشمندان استفاده میشود.

اما مراد شیخیه از هورقلیا عالمی است جسمانی و دنیایی که بخاطر لطافتش دیده نمیشود (تا زمان رجعت) و در ذیل این بحث از جسم اصلی و کیفیت معاد و معراج و بعضی مسایل اعتقادی دیگر بحث میشود.

لازم به ذکر است که در مورد معاد جسمانی، معراج، غیبت امام و سایر اعتقادات، اصل اعتقاد به آن ضروری بوده اما کیفیت و جزئیات آن نظری است و اختلاف اقوال در آن، همچنان که در پست قبل مواردی را از علمای بزرگ شیعه ذکر کردیم موجب خروج و لعن و تکفیر نمیشود.

اما در معنی هورقلیا از کتب شیخ احمد احسایی اعلی الله مقامه به دلیل عربی بودن متون فقط یک مورد

ذکر کرده و بیشتر به متون مرحوم کرمانی اع میپردازیم.

در شرح عرشیه شیخ احمد احسایی اع میفرماید:

ان الاجساد الثانية اعْنى الّتى خلقت من عناصر هُورقليا هى الباقية و هى التى تعاد يوم القيمة و هى هذه الاجساد المحسوسة المرئيّة و هى ليس شىء منها من هذه العناصر و انّما هى لمّا نزلَتْ من الخزائِن الى هذه الدار لحقتها اعراض و كثافات عارضة من هذه العناصر و ليست بجزءٍ من هذا الجسد و ان لحِقَتْه منها كدورة و هذه الاعراض الكدرة الاجنبيّة هى المانعة للاجساد من التشبّه بالمجردات فانّ اجساد اهل العصمة عليهم السلام لمّا طهرت من هذه الاعراض الكثيفة كانت مشابهة للنفوس فيصل احدهم اذا شاء من المشرق الى المغرب فى لحظة و ما بين المشرق و المغرب خطوة مؤمنٍ فاذا مات الرجل من سائر الناس و تفرقت اعضاؤه او اكلته الوحوش او حيتان البحر كان جسده الاصلى متفرّقاً فى بطون الحيوانات ما دامت اجزاؤه ممازجة للاعراض الاجنبيّة لانّها تحْبسها عن التشبه بالمجردات و الحيوانات تغتذى بتلك الاعراض و لاتغتذى بشىء من الاجساد الاصلية

همچنین مرحوم آقای حاج محمد کریم خان کرمانی اعلی الله مقامه در ارشاد العوام می فرمایند:

بدانكه خداوند اين بدن انسان را كه در اين عالم است از عناصر اين عالم خلق كرده است كه آتش و باد و آب و خاك باشد و اين چهار عنصر در اول كه تركيب شدند جماد بودند چون قدري اعتدال پيدا كردند روح نباتي در آن دميده شد و چون قدري ديگر اعتدال پيدا كرد روح حيواني در آن جلوه كرد و چون قدري ديگر اعتدال پيدا كرد روح انساني در آن جلوه كرد و اين بدن لباسي شد از براي او در اين عالم يا آئينهٔ شد كه در زير آفتاب وجود انسان گذارده شده است و جمادي اين بدن و نباتي و حيواني او از اين عالم است و انساني او از بيرون اين عالم است پس جمادي و نباتي و حيواني آن از خلقت آئينه است و انساني كه در آن هست آن عكس است كه در آن افتاده نمي‌بيني كه آئينه در زير آفتاب دو چيز دارد يكي قابليت آئينه بودن و آئينه شدن و يكي آن عكس كه در آن افتاده پس قابليت بدن انسان جمادي و نباتي و حيواني اوست و چون اين سه مرتبه تمام شد آئينه بدنش تمام ميشود و چون آئينه بدنش تمام شد آنگاه عكس انساني در آن ميافتد و از او بسخن درميآيد بفهم چه ميگويم پس چون اين بنيه فاسد شود و اين آئينه بشكند عكس از اين عالم برداشته شود و در همان عالم خود بحال اول شود پس چون انسان ميميرد فسادي در اركان آئينه بدن پيدا ميشود كه ديگر قابل آنكه عكس انسان در آن افتد نباشد و چون بدن عارضي عنصري اين دنيا بميرد و آنرا در قبر گذارند عناصري كه بهم فراهم آمده بود از هم بپاشد و البته نار آن در زمين بند نشود و بكره خود رود و هواي او هم بكره خود رود و آبش هم بعنصر خود رود و خاكش در خاك بماند و روح نباتي او هم بتفرقه عناصر از هم بپاشد و روح حيواني او هم برود و داخل شعله هاي كواكب و انوار آسماني شود و هر يك بآنجا رود كه از آنجا آمده بود و بماند در قبر بدن اصلي انساني ***هورقليائي*** *و آن هم جسم است كه صاحب درازي و پهنائي و گردي است مثل ساير جسمها و آن اجزاي اصلي بدن انسان است و عرَض نيست بلكه جوهر حقيقي است و ثبات و قرارش بيش از اين اعراض است و آن بدن اصلي هورقليائي در عالم خود در غيب اين قبر ميماند.*

در قسمتی دیگر میفرمایند

در زمان رجعت عالم عالم هورقلیا شود که لطیف و پاک است و بهشت برزخ از برای مردم ظاهر شود و از آن بخورند و بیاشامند و داخل شوند و لذت برند

از مواردی که بدون در نظر گرفتن عالم هورقلیا علما معنی و توضیحی برای آن ندارند عبارت است از: سد ذوالقرنین،یأجوج و مأجوج، بهشت آدم، جنتان مدهامتان، عالم اجنه، عذاب و فشار قبر، جابلقا و جابلسا و موارد متعدد دیگری است که در قران و احادیث به آن اشاره شده است. حقایقی که در دنیا بوده اما اثری از آنها نمیبینیم.

برای تقریب ذهن اهل این زمان و نمونه هایی از حقایق غیر ملموس میتوان به همین دنیای مجازی، واقعیت افزوده و غیره اشاره کرد. فقط کافیست تصور کنید همین پیشرفت تکنولوژی اگر 5 هزار سال دیگر هم ادامه پیدا کند به کجا خواهد کشید.

بیش از این اگر سوال و مشکلی در این مورد داشتید در قسمت کامنت های همین مطلب یا در صفحه پرسش و پاسخ بپرسید.